



بررسی ویژگیها و شیوه‌های رهبری امام خمینی (ره)

حجة الاسلام و المسلمین محمدی عراقی

چکیده:

محور توجه، تبیین ده سؤال اساسی در رهبری حضرت امام رضوان... تعالی علیه است. هر یک از این سؤالات، رفتارها و ویژگیهای به ظاهر متناقض را مطرح می‌سازد. در مدل‌های رهبری غربی برای این سؤالات پاسخهای مطلوب وجود ندارد. جامعیت شخصیت حضرت امام (ره) توانسته است این رفتارها را بظاهر متناقض را در خود جمع کند. ریشه این امر در نقش تربیت دینی و پرورش انسان کامل است. دیدگاه در نظریه‌های انسان کامل علمای متقدم و متأخر اثبات می‌شود و نظریه اعتدال تبیین‌کننده آن است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد والشكر لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين.

در وضعیتی که کشور و ملت ما یکی از سیاه‌ترین و دشوارترین زمانهای تاریخ خود را می‌گذرانید و تقریباً همه تجربه‌ها، برای ایجاد وحدت و رهبری حرکت‌های سیاسی و ملی برای نجات کشور به شکست انجامیده بود و همچنین رهبریهای فکری و اسلامی در سطح جهان به افول کشیده شده بود و نیز جریانهای روشنفکری و انقلابی، ناتوانی خود را در بیداری توده‌ها و هدایت فکری و علمی جامعه نشان داده بودند، خداوند قادر متعال، ملت ما را شایستهٔ بعثتی دیگر با ظهور امامی عادل، فقیهی عارف و رهبری جامع قرار داد و با مدیریت و رهبری پیامبرگونهٔ بزرگمردی از تبار نورانی محمد و علی و حسین (سلام الله علیهم) در حالی که استعمار خارجی و استبداد داخلی با خیال راحت کشور ما را جزیرهٔ آرامش خود می‌خواندند، بسیج نیروی ملت و بیداری وجدان عمومی آن چنان طوفانی ایجاد کرد که ضربه‌های ناشی از آن نه تنها رژیم ۲۵۰۰ سالهٔ ستم شاهی را ساقط کرد بلکه نظام سلطه در جهان را به چالش طلبید و پس از رهبری پیروزمندانهٔ بزرگترین و شگفت‌انگیزترین انقلاب معاصر در اوج ناباوری و حیرت شرق و غرب با تأسیس اولین حکومت دینی در جهان معاصر به رغم فشار فزایندهٔ سیاسی اقتصادی و نظامی قدرتهای جهانی، ضمن رهبری مقاومت مردمی در طول هشت سال جنگ تحمیلی و خنثی سازی همهٔ توطئه‌های پس از انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را بر اساس طرح ولایت فقیه و با تحکیم تمام نهادهای قانونی از راه انتخابات آزاد، قانون اساسی، مجلس و دولت را طراحی و ایجاد کرد. بررسی ویژگیها و شیوه‌های رهبری آن بزرگمرد تاریخ اسلام و ایران، که تحت عنوان سیره نظری و عملی امام در رهبری مشخص شده، مسلماً از حوزهٔ یک مقاله بیرون است.

همه بحث ما در این مقاله مصروف تبیین این سؤال است که:

- ۱ - چه عوامل و عناصر تعیین کننده‌ای است که می‌تواند از انسانهای خارق العاده و دارای نبوغ و استعداد استثنایی، شخصیت‌هایی بسازد که آرمانگرایی و پایبندی به اهداف متعالی را در عالی‌ترین سطح با واقع‌بینی و مصلحت‌جویی جمع کنند. ۲ - نهایت

شجاعت و قاطعیت و استقامت و ایستادگی فوق‌العاده را با کمال تواضع و فروتنی و انعطاف‌پذیری و مردم‌گرایی یکجا داشته باشند. ۳- در اوج قدرت و عزت و محبوبیت هیچگونه احساس خود بینی و غرور و برتری خواهی و سایر آفاتی که برای قدرت مطرح است نداشته باشند. ۴- در نهایت سختی و شدت و زیر شکننده‌ترین فشارها همواره با توکل به خدا نور امید و یقین به پیروزی را همراه با جهاد مستمر و عمل انقلابی و تکیه بر نیروی مردم داشته باشند. ۵- تبیین ولایت مطلقه را از یک سو یا قانونمندی و قانون‌گرایی خدشه‌ناپذیر از سوی دیگر و احترام به خواست و اراده مردم را جمع کنند. چگونگی جمع این تضادها و به تعادل و توازن رساندن آن در شخصیت انسان موضوع این مقاله است ادعای ما این است که تنها با هنر دین و تربیت دینی، چنین امری ممکن است. اعتقاد ما این است که هیچ یک از مکاتب و روشهای بشری چنین هنری را ندارد؛ اگر چه ویژگیهای رهبری امام همچون ایمان نیرومند و تردید‌ناپذیر نسبت به آرمان و هدف، اخلاص در عمل و توکل به خدا همراه با اعتقاد به توانایی مردم و نفوذ الهی رهبری روحانیت و صفات و خصلتهایی همچون بینش و نبوغ خارق‌العاده و شجاعت و قاطعیت سازش‌ناپذیر کم‌نظیر همراه با تواضع، ایثار، ساده زیستی، واقع بینی و استقامت و فراست فوق‌العاده هر یک در جای خود قابل مطالعه و بررسی است. لکن از آنجا که عقیده دارم رهبری و مدیریت کلان جامعه با در نظر گرفتن همه تعریفهای گوناگون و متعددی که در مفهوم رهبری و مدیریت و تفاوت‌های آن شده است، بیش از اینکه یک مفهوم علمی قابل تعریف در محدوده کلمات و اصطلاحات باشد، یک هنر و مهارت انسانی است که بیش از هر چیز به ویژگیهای رهبر و پیرو بستگی دارد؛ یعنی اگر به فرض پذیریم که در مدیریتهای خرد و محدود در سازمان، بیشتر علم و تکنیک تعیین کننده است، حداقل در رهبری و مدیریت کلان اجتماعی به اعتقاد ما آنچه تعیین کننده است، ویژگیهای شخصیتی رهبران و پیروان است و این هنر بزرگ تنها از انسانهایی که دارای شخصیت کامل و جامع یا شخصیت مستوفی هستند بر می‌آید. رمز اصلی نفوذ فوق‌العاده مردمی، که نیرومندترین عامل و مهمترین پشتوانه حرکت انقلاب بود، صداقت و اخلاص بود که وجه کامل آن تنها از ایمان و اعتقاد دینی

می‌تواند زاینده شود و سر موفقیت امام در رهبری و مدیریت کلان جامعه و غلبه بر مشکلات و موانع بزرگ را در ساختار شخصیت جامع و کامل امام و در یک جمله در جامعیت شخصیت ایشان باید جستجو کرد. صداقت رهبری و ایمان استوار پیروان به این صداقت و خلوص و اعتماد مطلق نسبت به مدیریت و رهبری، امری است که استمرار و تداوم موفقیت و نفوذ را تدوین می‌کند. ممکن است در کوتاه مدت بتوان بدون داشتن این سرمایه معنوی در مردم نفوذ کرد و بر تصمیمات آنها اثر گذاشت اما بدون شک در دراز مدت چنین چیزی امکانپذیر نیست. در میان رهبران سیاسی دنیا نفوذهای تعیین کننده کوتاه مدت بدون این شرایط داشته‌ایم؛ اما اگر می‌بینیم روز و روز حضرت امام به ایران و روز رحلت او صحنه‌ها مشابه است یعنی حضور مردم، عشق و ایمان و اعتقاد و تقدس و از سوی امام، نفوذ مردمی در بین این دو مقطع هیچ تفاوتی نمی‌کند، همان عشق، همان ایمان، همان حضور میلیونی مردم که در استقبال امام بود در بدرقه پیکر امام هم دیده می‌شود، این نفوذ مستمر، بیش از هر چیز معلول رابطه صادقانه و خالصانه بین رهبر و پیرو است که بدیهی است این نوع رهبری بیش از همه در رهبری دینی می‌تواند مصداق پیدا کند. البته نقش پیروان صادق و خالص و امت وفادار را نباید نادیده گرفت؛ چرا که موفقیت رهبری و مدیریت، چه در جامعه و چه در سازمانهای کوچک، بر دو اساس و دو محور رهبری و پیروی استوار است در زمانهایی به شخصیت‌های منحصر به فردی می‌رسیم که همچون قله در میان همه بلندیها سر بر افراشته و حقیقتاً یگانه و امامند، اعم از اینکه برای همگان شناخته و دانسته شوند یا ناشناخته و مجهول القدر بمانند و باید گفت اصل این نظریه از دیدگاه اسلام ناب در مسأله رهبری اینست؛ یعنی از نظریه ولایت و امامت سرچشمه می‌گیرد که در اوج کمال خود در مکتب تشیع مطرح شده است. اما به هر حال در تاریخ علم و فرهنگ و تمدن و حکمت اسلامی می‌توان نمونه‌هایی نزدیک به این نظریه را مطرح کرد. یکی از این نظریات بحث انسان کامل است. در فلسفه و حکمت و بخصوص عرفان اسلامی بحث انسان کامل را داریم یعنی تعبیر "انسان کامل" یک اصطلاح خاص عرفانی است امام بزرگوار در کتاب شریف "مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية" انسان کامل را مقام استجماع همه حقایق و

کمالات الهی دانسته‌اند؛ لکن آنچه در اینجا مورد نظر ماست آن اصطلاح خاص عرفانی نیست که منشأ آنتولوژیک و هستی‌شناسانه دارد. آنچه اینجا مورد نظر ماست، انسان کامل در ادبیات تعلیم و تربیت و روانشناسی اسلامی است که در علوم اجتماعی و تربیتی مطرح می‌شود ابتدا فهرست‌وار به اصول موضوعه یا پیش‌فرضه‌های این نظریه اشاره می‌شود. هر نظریه‌ای در علوم مبتنی بر اصول موضوعه و پیش‌فرضه‌هایی و به گفته نظریه‌پردازان غرب، مبتنی بر یک سلسله مبانی خاصی است که اینها قبلاً پذیرفته شده است. هر چند ممکن است این پیش‌فرضها آشکار نباشد؛ به عنوان نمونه غالب نظریاتی که در مدیریت امروز مطرح است بر اساس یک پیش‌فرض در مورد انسان پایه ریزی شده است؛ اصل سودگرایی یا لذت‌جویی انسان پیش‌فرض همه این نظریات است. اگرچه ممکن است به صورت عریان بیان نشده باشد. حال باید دید چه پیش‌فرضها یا اصول موضوعه‌ای را برای این نظریه قائل هستیم. مهمترین آنها عبارتند از:

اصول موضوعه نظریه

۱- کمال دوستی و کمال‌پذیری انسان، این است. ۲- خداگرایی انسان و اعتقاد به فطرت الهی در انسان و همچنین غایت‌گرایی انسان و جهان یعنی مسأله مبدأ و معاد در فطرت انسانی و جهان، «هو الاول و الآخر» و اعتقاد به مدیریت و برنامه‌ریزی بر اساس هدف و آرمانی که از این جهان بینی استخراج می‌شود. ۳- دو بعد مادی و معنوی در وجود انسان فرض گرفته شده و اصالت و جوهر انسانی با بعد معنوی و الهی است؛ در عین توجه به واقعیت وجود انسان که خاکی و مادی و حیوانی است، ولی یگانه دیدن اینها، یعنی جدا بودن مادیّت و معنویّت؛ چه در وجود انسان و چه در صحنه جامعه. ۴- رابطه خاص بین ماده و معنی یا دنیا و آخرت در حیات انسان وجود دارد حیات حقیقی انسان در زندگی دنیایی خلاصه نمی‌شود. اما بین دنیا و آخرت هم جدایی و انفکاک قائل نیستیم و اینها را سیر تکاملی انسان یگانه می‌بینیم و می‌دانیم در عین حال که حیات حقیقی انسان را حیات بینهایت اُخروی می‌دانیم، زندگی مادی و حیات دنیایی را مقدمه آن می‌شماریم. ۵- تعادل بین فردگرایی و جمع‌گرایی. ۶- تعادل بین آرمانها و ارزشها با مصالح و واقعیات و اعتقاد به عدم تضاد بین ارزشها و رشد و توسعه انسانی،

اجتماعی و اقتصادی. ۷- اصل آفت زدایی، آفت زدایی از قدرت و مقام. ۸- اصل تسخیر یعنی حاکمیت انسان بر طبیعت به اذن خدا. مسأله حاکمیت انسان بر طبیعت یک اصل قرآنی است. ۹- حاکمیت انسان بر تکنیک در برابر اسارت انسان و وابستگی انسان به طبیعت و یا اسارت انسان به عنوان اسیر تکنولوژی. ۱۰- تکیه به عقل و وحی و منابع و حیانی در کنار هم و عدم تضاد آنها با روش خاص اجتهاد و استخراج نو به نو از منابع اسلامی در جهت پویایی و رشد و تکامل مستمر در جامعه اسلامی. ۱۱- تعادل بین اندیشه‌های اصولی و عمل انقلابی و جمع بین سلسله مراتب و وحدت و اخوت در سازمان اجتماعی. ۱۲- رشد فکری در کنار رشد سازمانی، در شیوه‌های رهبری و زندگی حضرت امام این اصول را دیده می‌شود. البته در سیر تجزیه‌گرایی نظریات رهبری و مدیریت در غرب از این نکته مهم که کلیت و جامعیت انسان است غفلت شده است. مدیریت غربی پس از حدود ۵۰ سال جستجوی صفات و خصایص رهبری که در هر انسانی که شایستگی رهبری را داشته باشد سیر کرده‌اند و به این نتیجه نرسیده‌اند که بتوانند صفات و خصایص مشخصی را برای رهبری معرفی کنند. سپس کوشش کردند که رفتار رهبری را از نظر اثر بخشی و کارآیی مورد مطالعه قرار دهند و بهترین سبک رهبری را از این راه شناسایی کنند. در این زمینه هم به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین سبک در رهبری به معنی مطلق وجود ندارد و نظریات اقتضایی و ایجابی به وجود آمد بار دیگر گرایشهایی به صفات و خصیصه‌های رهبری پیدا شده است. آنچه مورد غفلت قرار گرفته یا توجه کافی به آن نشده دو چیز است: یکی مسأله ارزشها و نظام ارزشی در ساختار رهبری است و دوم کلیت و جامعیت انسان و همین نظریه جامعیت در رهبری است.

جامعیت شخصیت امام حاصل نقش تربیت دینی در پرورش انسان کامل و تصویر روشنی از این موضوع است که چگونه یک انسان می‌تواند در اوج قدرت، نهایت فروتنی و تواضع را داشته باشد. بندگی و عبادت خدا را در عالی‌ترین سطح خودش و تقوای الهی را در اوج خودش با توجه به مردم و احترام به مردم و احترام به آرای مردم جمع بکند. بعضی از این محققان غربی در تبیین این ویژگیهای رهبری حضرت امام (ره)

مانده‌اند.

یکی از محققین غربی که معتقد است ۵۰ سال در فلسفه و عرفان و فرهنگ و تمدن اسلامی کار کرده می‌گوید: من واقعاً در حیرتم، نمی‌دانم. تنها چیزی که می‌شود گفت این است که امام قبل از انقلاب اسلامی از نظر شخصیت با امام بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی متفاوت است، عوض شده است. این شخصیت، آن شخصیت نیست. نمی‌خواهد برخورد سیاسی بکند؛ خیر، واقعاً اینها را قابل جمع نمی‌دانند. می‌گویند چطور می‌شود یک انسانی منتهای لطافت روحی و رأفت و محبت و خلوص را داشته باشد و در کنارش این قاطعیت و صلابت را بتواند با آن جمع کند.

نمونه‌های مختلفی در دیدگاه‌های اسلامی در این زمینه وجود دارد: اول نظریه انسان کامل است که توضیح داده شد. دوم بحثی است تحت عنوان نظریه اعتدال در اخلاق اسلامی. البته اصل این نظریه از ارسطوست که آن را در اخلاق نیکوماخوس مطرح کرده است لیکن به اصطلاح، تکامل این نظریه را ما در فلسفه اسلامی می‌بینیم. مشخصاً فارابی در رساله اخلاق و ابن مسکویه در تهذیب الاخلاق و طهارة الاعراق، ابوعلی سینا در رساله اخلاق خودش و اثر برجسته فارسی مرحوم خواجه نصیر به نام اخلاق ناصری و بالاخره جامع السعادات مرحوم نراقی و شهید مطهری در حکمت عملی به این نظریه پرداخته‌اند. اساس این نظریه این است که در وجود انسان سه قوه را می‌توان ملاحظه کرد. قوه ناطقه، قوه غضبیه و قوه شهویه و در حقیقت برای انسان بر اساس این قوا صفات و خصائلی را در دو ستون رذایل و فضایل مطرح شده و نکته اصلی در این نظریه این است که تمام رشد و کمال و فضیلت انسانی این است که در بین این دو حد افراط و تفریط، آدمی خود را به گونه‌ای تربیت و تهذیب نفس کند که به حد وسط و نقطه تعادل برسد که اسمش فضیلت گذاشته‌اند. ارسطو می‌گوید سعادت در گرو فضیلت است و فضیلت در گرو کسب این نقطه تعادل و در بحث ادراک و قوه ناطقه انسان آن نقطه تعادل به نام حکمت نامیده می‌شود. نقطه افراط آن جریزه یا سفه و نقطه تفریط آن بلاهت یا بطله، در قوه غضبیه باز نقطه تعادل شجاعت نامیده می‌شود و نقطه افراط، تهور و بی‌باکی و نقطه تفریط، جبن و همچنین در قوه شهویه، نقطه تعادل به نام عفت و نقطه

افراط به نام شره و نقطه تفریط به نام خمودی و جمع این سه نقطه تعادل در وجود انسان به عدالت می‌رسد. عدالت در واقع آن نقطه اجتماع حکمت، شجاعت و عفت است که البته این هم افراط و تفریط دارد که افراط آن ظلم و تفریط آن انظلام نامیده می‌شود. البته این تقسیم بندی فروعی هم دارد؛ مثلاً نقطه اعتدال تواضع از یک سو تکبر و حقارت از سوی دیگر است و سخاوت نقطه تعادل، اسراف از یک سو و بخل از سوی دیگر است.

این نظریه که در واقع نظریه‌ای اخلاقی است یکی از ریشه‌های بحث ماست یعنی یکی از نقاط الهام است. یکی از دیدگاه‌هایی است که می‌تواند به ما کمک بکند. انسان اینگونه دیده شده است و تعلیم و تربیت اسلامی بر این اساس استوار شده است که باید انسان تلاش کند که بین این دو نقطه افراط و تفریط، خودش را به نقطه تعادل برساند. درباره نظریه اعتدال چه در فلسفه کلاسیک و چه در دوران اسلامی سخنها، نقلها و تغییرات بسیاری مطرح شده و بویژه در مورد جامعیت و مانعیت یا کلیت این نظریه نقادیهایی بسیار صورت گرفته و موجب پدید آمدن نظریات دیگر و تغییرات تکاملی در این نظریه شده است یکی از نظریات غربی که کاملاً بر این نظریه منطبق نیست اما نظریات شخصی است به نام پوین که در کتابی به نام «مدیریت فراعقلانی» مطرح شده است اصل این مطالعه در سازمان صورت گرفته است و دو سازمان بزرگ کوکاکولا و پپسی کولا این مطالعات را برای بررسی نحوه موفقیت مدیر انجام داده‌اند. متفکران و صاحب‌نظران دیگر دانش مدیریت در غرب به این خلأ اشاره کرده‌اند. برای مشخص کردن تأثیر متقابل ویژگیهای شخصی و مهارتهایی که در رهبری از جهت تعادل خصصه‌ها مطرح است اصل خاصی به این عنوان که چگونه خوبها بد می‌شوند، اختصاص داده‌اند. یعنی بسیاری از ویژگیهای مثبت، اگر حالت تعادل پیدا نکنند و حالت افراط و تفریط پیدا بکنند می‌تواند به ویژگی منفی تبدیل بشود و عامل عدم موفقیت باشد.